

پرسش‌هایی در مورد مرور زمان ماده ۳۱۸ قانون تجارت در مورد چک و سفته^۱

عیسی مقدم*

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۵۰۴۶۶

تاریخ: ۱۳۹۳/۴/۲۲

دادگاه بدوی: شعبه ۱۲۳ دادگاه حقوقی تهران

دادگاه تجدیدنظر: شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

متن رأی بدوی

«در خصوص دعوی آقای م.ج. به طرفیت آقای م.الف. به خواستۀ مطالبۀ ... ریال بابت سه فقره چک به شماره‌های ... به مبلغ ... به انضمام کلیه خسارات قانونی، نظر به محتویات پرونده و باتوجه به این‌که چک‌های مستند دعوی در چهارچوب روابط تجاری (حسب اظهارات خواهان) فی‌مابین اصحاب دعوی ردّ و بدل گردید و تاریخ صدور چک‌ها و گواهی‌های عدم پرداخت آن‌ها مربوط به سال ۱۳۷۸ می‌باشد موضوع مشمول ماده ۳۱۸ قانون تجارت و مرور زمان پنج ساله بوده، در نتیجه دادگاه دعوی خواهان را قابل استماع ندانسته و قرار ردّ آن را صادر می‌نماید».

متن رأی تجدیدنظر

«تجدیدنظرخواهی آقای م.ج. به طرفیت آقای م.الف. نسبت به دادنامه ... صورت پذیرفته است. برخلاف اظهارات تجدیدنظرخواهان وی به‌عنوان تاجر پارچه در بازار فعالیت می‌نماید و تاریخ چک‌ها نیز مربوط به بیش از پنج سال می‌باشد، این دادگاه رأی معترض‌عنه را خالی از ایراد مؤثر دانسته ... با ردّ آن مستنداً به ماده ۳۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی دادنامه موصوف را تأیید می‌نماید».

پس از آوردن متن آراء یاد شده، در ادامه پرسش‌های مطرح شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. هرچند ماده ۳۱۸ در مورد برات نیز هست، ولی به‌جهت متروک بودن، از بررسی آن صرف‌نظر شده است
* هیئت علمی دانشگاه گیلان
issamoghaddam2@yahoo.com

مقدمه

در ماده ۳۱۸ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ برای برات و چک مرور زمان خاص پنج ساله پیش‌بینی شده است. پس از نسخ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ که احکام عام مرور زمان در مواد ۷۳۱ به بعد آن آمده بود پرسش‌هایی در مورد ماده مورد بحث مطرح می‌شود. اهمّ این پرسش‌ها عبارت است از: ۱. مرور زمان یادشده در مورد کدام گروه از چک و سفته قابل اعمال است؟ ۲. آیا این مرور زمان اکنون نیز دارای اعتبار است؟ ۳. آیا دادگاه رأساً می‌تواند مرور زمان را اعمال کند یا منوط به ایراد خواننده است؟ در این پژوهش رأیی در همین زمینه به‌عنوان نمونه انتخاب شده است و پژوهش بر مبنای آن انجام می‌گیرد.^۱

۱. مرور زمان ماده ۳۱۸ در مورد کدام گروه از چک و سفته قابل اعمال است؟ با توجه به صدر ماده یاد شده که گفته است: «دعاوی مربوط به برات و سفته طلب و چکی که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده» تردیدی باقی نمی‌ماند که این مرور زمان در مورد هر چک یا سفته‌ای قابل اعمال نیست، بلکه باید از طرف تجار صادر شده باشد، یا اگر توسط تجار صادر نشده است، در ارتباط با امور تجاری باشد. در واقع، ماده مورد بحث در مقام وضع یک نوع مرور زمان تجاری است که نسبت به مرور زمان مدنی که در مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ (از این پس قانون آیین دادرسی مدنی) آمده بود و جنبه عام داشت، خاص محسوب می‌شد. به همین علت هم هست که مدت این مرور زمان نسبت به مرور زمان عام ده ساله پیش‌بینی شده در ماده ۷۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی کوتاه‌تر است.

پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اصل بر تجاری بودن چک و سفته است یا غیرتجاری بودن آن‌ها؟ علت طرح این پرسش آن است که این دو سند توسط غیرتجار یا برای امور غیرتجاری هم دارای کاربرد است. فایده عملی این بحث آن است که اگر اصل بر تجاری بودن باشد، مدعی یعنی خواهان باید

۱. متن رأی بدوی و تجدیدنظر از سایت بانک داده آراء متعلق به پژوهشگاه قوه قضائیه به نشانی <http://iri.ir/subsystems/jpri2> گرفته شده است.

غیرتجاری بودن آن را اثبات کند؛ ولی اگر اصل بر غیرتجاری بودن گذاشته شود، اثبات تجاری بودن با خواننده خواهد بود.

به نظر می‌رسد با توجه به عبارت صدر ماده ۳۱۸ مبنی بر سفته و چکی که «از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده است»، اصل بر غیرتجاری بودن آن‌ها است و خلاف آن باید اثبات شود. البته در مورد چک می‌توان به ماده ۳۱۴ قانون تجارت نیز استناد کرد که صدور چک را ذاتاً عمل تجاری محسوب نکرده است. باید اشاره کرد در مورد چک و سفته‌ای که تجاری بودن آن اثبات نشود، در نظام حقوقی کنونی با توجه به نسخ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مرور زمان وجود ندارد.

۲. آیا مرور زمان ماده ۳۱۸ اکنون نیز معتبر است؟

علت طرح این پرسش آن است که مرور زمان در امور مدنی که در مواد ۷۳۱ به بعد قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده بود در سال ۱۳۶۳ از سوی شورای نگهبان مغایر با شرع اعلام شد. در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز مرور زمان برای امور مدنی پیش‌بینی نشده است. این امر ممکن است این تردید موجه را ایجاد کند که مرور زمان ماده ۳۱۸ دیگر اعتبار ندارد.

در این زمینه نظرات مختلف است. برخی معتقد به بی‌اعتباری آن هستند (صقری، ۱۳۸۰: ۳۱۴ و کاویانی، ۱۳۸۳: ۱۹). در مقابل برخی آن را معتبر می‌دانند (اسکینی، ۱۳۷۳: ۱۶۱). در این ارتباط باید گفت که صرف‌نظر از این که مرور زمان یاد شده یک مرور زمان تجاری است، چون اصل بر اعتبار قانون است مگر آن که نسخ آن احراز شود و در صورت تردید، اصل عدم نسخ جاری است؛ لذا ماده را باید معتبر دانست. در آراء یاد شده، اعتبار مرور زمان مورد بحث مورد پذیرش قضات رسیدگی‌کننده قرار گرفته است که از نظر حقوقی درست است.

البته نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که علاوه بر ماده ۳۱۸، ماده ۳۱۹ قانون تجارت نیز متضمن حکمی خاص در این زمینه است. طبق این ماده: «اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان پنج سال مطالبه کرد دارنده برات یا فته طلب یا چک می‌تواند تا حصول مرور زمان اموال منقوله وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلاجهت کرده است مطالبه

نماید.»؛ بنابراین اگر معلوم شود چک یا سفته‌ای مشمول این ماده قرار می‌گیرد، ماده ۳۱۸ در مورد آن قابل اجرا نبوده و مشمول مرور زمان اموال منقول است. البته چون اکنون در مورد اموال منقول مرور زمان وجود ندارد، در نتیجه این نوع چک و سفته به‌طور نامحدود قابل مطالبه است؛ لذا دادگاه‌ها باید به این نکته هم توجه کنند و اگر شرایط اعمال ماده ۳۱۹ وجود داشته باشد، به استناد ماده ۳۱۸ قرار عدم استماع دعوی را صادر نکنند، چون ماده ۳۱۹ مرتبط با ماده ۳۱۸ است. به بیان دیگر، اگر ثابت شود که امضاکننده چک یا سفته از آن به ضرر دارنده استفاده بلاجهت کرده است، وجه آن حتی پس از مرور زمان پنج سال هم قابل مطالبه است. منظور از استفاده بلاجهت، دارا شدن بدون سبب قانونی یا مشروع به زیان دیگری است و آن را دارا شدن غیرعادلانه نیز می‌گویند. شرایط تحقق استفاده بلاجهت عبارت است از:

الف. دارا شدن: «دارا شدن شخص با مقایسه وضعیت دارایی فعلی و وضعیت دارایی سابق او معلوم می‌شود. چنان‌که هرگاه وضعیت مالی فعلی او بهتر از سابق شده باشد گفته می‌شود دارا شده است. در دارا شدن فرق نمی‌نماید که به دارایی او افزوده شود و یا از دیون او کاسته شود» (امامی، ۱۳۵۳، ۳۵۴).

ب. کاسته شدن از دارایی دیگری. در استفاده بلاجهت صرف افزایش دارایی شخص کافی نیست بلکه در مقابل افزایش، باید از دارایی دیگری کاسته شود.» (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۲۷).

ج. وجود ارتباط میان افزایش و کاهش: «دارا شدن شخص باید نتیجه مستقیم کاسته شدن دارایی دیگری باشد یعنی بین افزوده شدن دارایی شخص و کاسته شدن دارایی دیگری رابطه علت و معلول موجود باشد و به همان مقدار که شخص مزبور دارا می‌شود از دارایی طرف دیگر کاسته شود» (امامی، ۱۳۵۳: ۳۵۴).

د. فقدان سبب مشروع: «اصطلاح جهت به معنی منبع و مستند دارا شدن است. یعنی به‌طور غیرقانونی و بدون آن که علت مشروع مؤثری وجود داشته باشد به دارایی شخص اضافه شده باشد» (امامی، ۱۳۵۳: ۳۵۴).

بنابراین اگر در فرآیند استفاده از چک یا سفته استفاده بلاجهتی به ضرر دارنده

صورت گرفته باشد، او می‌تواند ذیل این عنوان که یک امر مدنی است وجه سند را منحصرأ از کسی که به ضرر او دارا شده است بدون توجه به مرور زمان ماده ۳۱۸ مطالبه کند. در واقع چون چک و سفته وسیلهٔ پرداخت هستند، احتمال استفادهٔ بلاجهت در آن وجود دارد، مانند این که شخصی در ازاء خرید کالا چکی صادر می‌کند و کالا هم به او تسلیم می‌شود. وجه چک پرداخت نمی‌شود، دارندهٔ چک تا پنج سال از تاریخ برگشت چک با توجه به ماده ۳۱۸ می‌تواند به صادرکننده مراجعه کند و پس از پنج سال خواهد توانست بر اساس استفادهٔ بلاجهت وجه چک را از او مطالبه کند، زیرا صادرکننده از طریق چک به ضرر او دارا شده است، ولی در همین مثال اگر کالا به خریدار تحویل داده نشده بود، دارندهٔ چک امکان توسل به ماده ۳۱۹ را پیدا نمی‌کند.

در آراء صادرشده اشاره‌ای به استفادهٔ بلاجهت خوانده نشده است که علت آن احتمالاً عدم استناد خواهان به آن یا عدم ارائهٔ دلیل توسط او بوده است. چون چک به‌تنهایی کافی نیست و استفادهٔ بلاجهت به دلایل دیگر مانند اقرار خوانده و ... توسط مدعی باید اثبات شود.

۳. آیا دادگاه رأسأ می‌تواند مرور زمان را اعمال کند یا منوط به ایراد خوانده است؟
علت طرح این بحث آن است که در قوانینی که در گذشته در مورد مرور زمان وجود داشت و مقررات عام محسوب می‌شد، مرور زمان از حقوق خواندهٔ دعوی بوده و دادگاه فقط در صورت ایراد مرور زمان توسط او می‌توانست قرار عدم استماع دعوی صادر کند، وگرنه باید به رسیدگی ادامه می‌داد (شمس، ۱۳۸۴: ۱۸). در قانون ثبت عمومی املاک و مرور زمان مصوب ۱۳۰۶ و قانون مرور زمان اموال منقوله مصوب ۱۳۰۸ عدم استماع دعوی مستلزم ایراد خوانده بوده است (شمس، ۱۳۸۴: ۱۴). پس از نسخ قوانین یادشده توسط قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، در ماده ۷۳۲ این قانون آمده بود: «دادگاه در صورتی می‌تواند به استناد مرور زمان دعوی را رد کند که از این جهت صریحاً ایراد شده باشد». در مورد مهلت این ایراد ماده ۲۰۱ همان قانون مقرر می‌داشت: «... ایراد مرور زمان را مدعی علیه می‌تواند در محاکمات عادی در اولین لایحه که در جواب دعوی می‌دهد و در محاکمات اختصاری در اولین جلسه و در مورد حکم غیابی، ضمن اعتراض یا اولین لایحه که

در جواب اعتراض داده می‌شود بنماید و همچنین است در مورد شکایت پژوهشی از حکم غیابی».

البته در ماده ۳۱۸ قانون تجارت تصریحی بر لزوم ایراد خوانده نشده است، ولی با توجه به این که این ماده نسبت به مقررات عام مرور زمان که در ابتدای همین مبحث در مورد آن توضیح داده شد، خاص محسوب می‌شد و علت وضع آن هم در نظر گرفتن مرور زمان کوتاه‌تر برای برات و سفته و چک بوده است، از این‌رو در موارد سکوت از جمله لزوم ایراد خوانده برای صدور قرار عدم استماع دعوی تابع مقررات عام بوده است. امروزه پس از نسخ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ و احکام عام مرور زمان مندرج در آن، قضیه دچار پیچیدگی و ابهام شده است. در این زمینه راهکارهای زیر قابل طرح است:

الف. مرور زمان یاد شده یک نوع تعیین مهلت برای اقامه دعوی در نظر گرفته شود و با توجه به بند ۱۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی، برای دادگاه رأساً اختیار قرار رد دعوی لحاظ شود.

ب. با توجه به ماده ۷۳۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸، عدم استماع دعوی منوط به ایراد خوانده شود.

در مورد راهکار نخست گفتنی است که علی‌رغم شباهت مرور زمان و مهلت اقامه دعوی، آن دو را نباید یکسان پنداشت. در این زمینه گفته شده است: «اگر دعوی خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد، برپایه بند ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ خوانده می‌تواند ایراد نماید، اما این ایراد با ایراد مرور زمان تفاوت آشکار دارد و نصّ مزبور ناظر به مواردی است که دعوی در مهلت معینی باید اقامه شود (برای مثال، دعوی دارنده برات علیه ظهرویس). در حقیقت مرور زمان را نباید با مهلت اشتباه نمود. در مواردی، اعمال و اقداماتی باید در زمان که طول آن در قانون پیش‌بینی شده انجام شود؛ در این صورت اگر این مدت مهلت شمرده شود، اقدام نمودن در مدت موجب سقوط حق اقدامی می‌شود که در آن مدت انجام نشده است. فایده مهم تمایز مزبور این است که در دعوی حقوقی، صدور قرار عدم استماع دعوی به سبب شمول مرور زمان حتی در حقوق فرانسه، مستلزم ایراد خوانده است و دادگاه

نمی‌تواند رأساً آن را صادر کند، در حالی که هرگاه مدتی که در قانون تعیین شده مهلت شمرده شود، دادگاه مکلف است حتی بدون ایراد و اعتراض خوانده به آن توجه نموده و رأی لازم صادر کند» (شمس، ۱۳۸۴: ۱۸). در تأیید این تفاوت به این دلایل نیز می‌توان اشاره کرد. اول، احکام مرور زمان در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ به جهت جنبه غیرشرعی آن حذف شده است، درحالی که مهلت برای اقامه دعوی در مواردی پیش‌بینی شده است، بنابراین منطقی نیست که مرور زمان همان مهلت اقامه دعوی دانسته شود. دوم، در قانون تجارت نیز مهلت اقامه دعوی در مواد ۲۸۶ تا ۲۹۰ آمده است، درحالی که مرور زمان در ماده ۳۱۸ پیش‌بینی شده است که نشان از تفاوت آن دو دارد.^۱ با توجه به توضیحات بالا، مرور زمان را نباید به معنی مهلت اقامه دعوی موضوع بند ۱۱ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی دانست.

راهکار دوم یعنی لزوم ایراد خوانده برای عدم استماع دعوی، به نظر درست می‌رسد. چون در زمان تصویب ماده مورد بحث، با توجه به مقررات عام موجود، این امر لازم بوده است و این ماده با این پیش‌فرض تصویب شده است، لذا این پیش‌فرض را همچنان می‌توان در این رابطه مفروض و مجری دانست.

در آراء مورد بحث اشاره به این نشده است که آیا خوانده به مرور زمان ایراد کرده است یا نه؟ ولی به نظر می‌رسد دادگاه‌های رسیدگی‌کننده، ایراد مرور زمان را لازم ندانسته و رأساً قرار رد دعوی را صادر کرده‌اند که با توجه به توضیحات بالا درست نیست.

۱. برای ملاحظه این تفکیک در برات و سفته و چک ر.ک. حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد سوم، (نشر دادگستر، ۱۳۸۸)، ص ۱۹۲.

منابع

- اسکینی، ربیعا (۱۳۷۳)، **حقوق تجارت**، تهران: انتشارات سمت.
- امامی، سیدحسن (۱۳۵۳)، **حقوق مدنی**، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اسلامیة.
- ستوده تهرانی (۱۳۸۸)، حسن، **حقوق تجارت**، جلد سوم، تهران: نشر دادگستر.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی مدنی**، جلد سوم، تهران: انتشارات دراک.
- صقری، محمد (۱۳۸۰)، **حقوق بازرگانی اسناد**، جلد اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳)، **حقوق مدنی**، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، جلد دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاویانی، کورش (۱۳۸۳)، **حقوق اسناد تجاری**، تهران: نشر میزان.